

چرا نمره‌های انضباط کمتر شده‌اند؟



اگرچه ریشه تمام رفتارهای نابه‌هنجار دانش‌آموزان را نمی‌توان در کاستی‌ها و عیوب نظام تعلیم و تربیت جستجو کرد، اما مدرسه به عنوان مرکز آموزش، تمرین آداب و رفتار اجتماعی، نقش بنیادی در رفتار دانش‌آموزان دارد.

اگرچه ریشه تمام رفتارهای نابه‌هنجار دانش‌آموزان را نمی‌توان در کاستی‌ها و عیوب نظام تعلیم و تربیت جستجو کرد، اما مدرسه به عنوان مرکز آموزش، تمرین آداب و رفتار اجتماعی، نقش بنیادی در رفتار دانش‌آموزان دارد.

در تعلیم و تربیت مسئله انضباط همیشه مورد توجه بوده است. هدف انضباط، ایجاد سازش با قوانین و ارزش‌های مورد پذیرش در مدارس می‌باشد؛ که منتج به شادی، نشاط، سلامت، آرامش و پیشرفت تحصیلی شود. اما در اینکه انضباط چگونه باید باشد، عقاید متفاوت است. در گذشته که رفتار را ذاتی می‌دانستند، انضباط هم اطاعت کورکورانه از قوانین و مقررات مدرسه بود. بدین جهت در مدرسه به علل رفتارها توجه نمی‌شد و آموزش و تربیت رفتارهای اجتماعی نیز جایگاهی در برنامه‌های آن نداشت. ولی امروزه که رفتار را محصول یادگیری می‌دانند، مسئله انضباط در مدارس بسیار بااهمیت تلقی می‌شود. از این رو مدرسه نه تنها به عوامل مؤثر در رفتار توجه می‌کند، بلکه آموزش رفتارهای اجتماعی و چگونگی زندگی با دیگران را در اولویت برنامه‌های خود قرار می‌دهد. چرا که امروزه ثابت شده رعایت انضباط در عین اینکه یادگیری را بهبود می‌بخشد، باعث جلب محبت دیگران، احساس امنیت، افزایش اعتماد به نفس و در بلندمدت سلامت و استحکام جامعه می‌گردد. بالعکس رفتارهای ناپسند، هم موجب احساس شرمندگی و گناه و شکست تحصیلی در فرد می‌شود، و همچنین سبب افزایش ناهنجاری، بی‌قیدی و ناامنی در جامعه می‌گردد. با توجه به اهمیت انضباط در تحصیل و حفظ هنجارهای اجتماعی، اکنون این پرسش مطرح است که چرا در سال‌های اخیر بی‌انضباطی دانش‌آموزان در مدارس و رفتارهای نابه‌هنجار آنان در سطح جامعه افزایش یافته است؟ متأسفانه امروزه شاهد رفتارهایی از نوجوانان و جوانان در سطح مدارس و جامعه هستیم که اصولاً سختی با ارزش‌های جامعه ما به عنوان یکی از جوامع والای جهان ندارد. اگر کسی باور ندارد، نگاهی به وضعیت بخشی از نوجوانان و جوانان از حیث پوشش لباس، آرایش ظاهری، اعتیاد به سیگار و... روابط پنهان با جنس مخالف و... ببیندازد. بدون تردید خطوط نگران‌کننده‌ای را در پیش روی خود خواهد دید. شاید هیچ کس به اندازه مدیران و معلمان از مشکلات رفتاری دانش‌آموزان آگاه نباشند. بسیاری از آن‌ها معتقدند که درصد بالایی از دانش‌آموزان، رعایت ادب و انضباط را نمی‌کنند؛ انگیزه تحصیلی ندارند؛ درس نمی‌خوانند؛ تکالیف را انجام نمی‌دهند؛ و با الزام و اجبار به مدرسه می‌آیند. رفتارهایی که حفظ انضباط و کنترل کلاس را برای همه معلمان سخت و دشوار کرده و موجب دلسردی و ناامیدی آنان شده است. علت چیست؟ اگرچه ریشه تمام رفتارهای نابه‌هنجار امروز دانش‌آموزان را نمی‌توانیم در کاستی‌ها و عیوب نظام تعلیم و تربیت جستجو کنیم، چرا که عوامل دیگری مثل ساختارهای اقتصادی، سیاسی، قضایی، فرهنگی و همچنین پدیده‌هایی مانند رشد فناوری اطلاعات و توسعه ارتباطات الکترونیک در پدیدآوری رفتارهای هنجارشکن دانش‌آموزان دخیل می‌باشند، اما مدرسه به عنوان مرکز آموزش، تمرین آداب و رفتار اجتماعی، نقش بنیادی در رفتار دانش‌آموزان دارد. اگر سیستم آموزشی و پرورشی آن معیوب باشد، و نتواند به وظایفش به خوبی عمل کند، بدون تردید بیشترین صدمه را به نسل آینده کشور خواهد زد، که آسیب و زیانش از ده‌ها عامل خارجی بیشتر است. اینک به برخی از علل بی‌انضباطی دانش‌آموزان که مرتبط با مدرسه است، اشاره می‌کنیم. امید است مورد توجه متولیان امر قرار گیرد. (1) مدارس، استراتژی انضباطی ندارند. کما اینکه بیشتر مدارس فاقد آئین‌نامه انضباطی مژون و مکتوب و تعریف شده‌اند، و در اغلب اوقات با قوانین و مقررات سلیقه‌ای اداره می‌شوند. دراین مدارس با مسئله بی‌انضباطی با روش اصلاحی برخورد می‌شود و توجهی به شیوه‌های پیشگیرانه ندارند. البته برخوردهای اصلاحی هم به شرایط روحی و روانی افراد بستگی دارد. به وقت خوشحالی، از خلاف‌های بزرگ چشم‌پوشی می‌کنند، ولی هنگام ناراحتی، به خلاف‌های کوچک، واکنش‌های تند و سنگین نشان می‌دهند. برخوردهای تبعیض‌گونه و غیرعادلانه انضباطی در عین اینکه قوانین و مقررات را در نزد دانش‌آموزان کم‌ارزش می‌کند، باعث افزایش بی‌انضباطی آنان نیز می‌شود. البته ناگفته نماند که 14 سال پیش شورای عالی آموزش و پرورش، آئین‌نامه اجرایی را به مدارس ابلاغ کرده که فصول 5 و 6 آن مربوط به پوشش لباس و انضباط است، ولی در این مدت، هیچ‌گونه بازنگری در آن نشده است. (2) تمرکز بیش از حد بر معایب دانش‌آموزان و کم‌توجهی به محاسن آنان باعث شده که در مدارس، ارتباط عاطفی که یکی از اجزای مهم موفقیت است، مغفول بماند. در حالی که غفلت از محاسن دانش‌آموزان، یکی از علل مهم رفتارهای ناپسند آنان به منظور جلب توجه معلمان است. بدتر اینکه اغلب معلمان در مواجهه با رفتارهای نامطلوب دانش‌آموزان، به جای ریشه‌یابی رفتار، برای اصلاح آن از موعظه و نصیحت استفاده می‌کنند. اگر در اصلاح رفتار بچه‌ها توفیقی به دست نیاورند، عصبانی شده و با تندخویی، پرخاش‌گری، تهدید و تحقیر تلاش می‌کنند که دانش‌آموزان را وادار به تغییر رفتار کنند. نتیجه چنین رفتار تربیتی، چیزی به جز خشم و مقاومت و افزایش بی‌انضباطی در بچه‌ها نیست. (3) مدرسه، جامعه کوچکی است که معماری جامعه بزرگی را بر عهده دارد. پس در فضای درونی آن باید هم آزادی و هم نظم و انضباط توأم با محبت و عدالت وجود داشته باشد. در این صورت دانش‌آموزان به عنوان یک شهروند، زندگی کردن با دیگران را در آن تمرین و تجربه خواهند کرد و به مسئولیت‌های فردی و اجتماعی خود در جامعه واقف می‌شوند. در اغلب مدارس ما، مفهوم انضباط به معنای اطاعت محض و پیروی بدون چون و چرا می‌باشد. از این رو متأسفانه در بیشتر واحدهای آموزشی به خصوص در آموزشگاه‌های دولتی، فضایی حاکم است که دانش‌آموزان نه تنها فرصت تمرین و تجربه زندگی کردن با دیگران را نمی‌یابند، بلکه به خاطر برخی نگرانی‌ها از هر گونه سؤال، انتقاد و اظهارنظری خودداری می‌کنند. نتیجه چنین فضاهای تربیتی، یا گوشه‌گیری و انزوا است و یا رشد مخالفت و مقاومت در مقابل ارزش‌ها و هنجارها؛ که در هر دو شکل، کج‌رویی، پرخاش‌گری و بی‌انضباطی نسل جوان حاصل آن خواهد بود. بنابراین صادقانه باید اذعان کنیم که مدارس ما موفق نشده‌اند با استفاده از باورها و ارزش‌های اسلامی، راه و روش زندگی دینی را به دانش‌آموزان بیاموزند. (4) فضای فیزیکی مدارس نقش مهمی در جذب و یا بی‌بازی دانش‌آموزان دارد. فضای فیزیکی نامطلوب مدرسه، آزردهی عاطفی و کسالت دانش‌آموزان را در پی دارد که منتج به خستگی، بدرفتاری و بی‌انضباطی آنان می‌شود. اگرچه عمده ساختمان‌های مدارس کشور در دوره بعد از انقلاب ساخته شده‌اند، اما بسیاری از آن‌ها، به خصوص در مناطق کم‌برخوردار و حاشیه‌های شهرهای بزرگ، محدود به یک چهاردیواری و چند کلاس می‌باشند. فضای فیزیکی اغلب آن‌ها خشک، خشن، بی‌روح و فاقد هرگونه امکانات ورزشی، تفریحی، مطالعاتی، فضای سبز و گل و گیاه‌اند. مدارس غیرانتفاعی هم به جز موارد خاص، غالباً در فضاهای محدود مسکونی و غیراستاندارد فعالیت دارند. مجموعاً می‌توان گفت فضای فیزیکی عمده مدارس ما به علت فقدان امکانات ورزشی و تفریحی و فضای سبز، بیش از آن که نشاط آفرین باشند، حالت رسمی و خشک دارند. این حالت‌ها با تمایلات و خواسته‌های دوره نوجوانی و جوانی ناسازگارند و این ناسازگاری تأثیر زیادی بر آزردهی روحی، ایجاد کسالت و خستگی دانش‌آموزان و بی‌بازی آنان از مدرسه دارد که در نهایت موجب بی‌انضباطی آنان می‌شود. (5) برنامه‌های آموزشی حافظه‌محور و مبتنی بر نمره‌گرایی و تلفیق دانش‌آموزان با توانمندی متفاوت در یک کلاس، یکی دیگر از علل بی‌انضباطی دانش‌آموزان است. متأسفانه امروزه انباشت معلومات و محفوظات، هدف اصلی مدارس شده است. در این رویکرد غلط آموزشی، همه دانش‌آموزان به خصوص افراد ضعیف‌تر به شدت تحت فشار قرار می‌گیرند. به طوری که گاهی مجبور می‌شوند برای انطباق خود با افراد توانمند، یک کتاب را به اجبار چند بار بخوانند، یا تکالیف طاقت‌فرسا را به سختی انجام دهند. درس و کتاب خواندن که همراه با شکنجه شدن است. بزرگ‌ترین پیامد و آفت این روش آموزشی، فراموشی است که قریب به اتفاق دانش‌آموزان، مبتلا به این مشکل می‌باشند. بسیاری از ضعف حافظه خود شکوه دارند و می‌گویند آن قدر که زحمت می‌کشند، نتیجه نمی‌گیرند. تأکید و استمرار این شیوه نامناسب آموزشی، بزرگ‌ترین عامل یأس، ناامیدی، خستگی و بی‌بازی دانش‌آموزان از تحصیل و مدرسه است؛ و نتیجه آن گسترش بی‌انضباطی، ترک تحصیل و تعارض و عناد در مدرسه و جامعه می‌باشد. (6) برنامه‌های فرهنگی خشک، یکنواخت، کلیشه‌ای و کهنه مدارس یکی دیگر از علل بدرفتاری و بی‌انضباطی دانش‌آموزان است. عمده فعالیت‌های فرهنگی مدارس برای اصلاح رفتارها، معطوف به سخنرانی، موعظه‌های خشک و توصیه‌های آمرانه و گاهی اوقات تهدیدآمیز، تحقیرکننده و توأم با تنبیه است. غافل از اینکه این روش‌های سنتی، نه تنها باعث خشم نوجوان و جوان می‌شود، بلکه او را به عکس‌العمل‌های مخالف

وادر کرده و مانع نهادینه شدن رفتارهای ارزشی و اخلاقی در او می‌شود. (7) اگرچه معلمان در حال حاضر یکی از سالم‌ترین اقشار جامعه‌اند، اما برخی از آنان رفتارهایی دارند که موجب بدآموزی دانش‌آموزان، به خصوص در دوره متوسطه می‌شود؛ از جمله مسئله سیگار کشیدن آن‌ها در اماکن آموزشی است. متأسفانه باوجود ممنوع بودن استعمال دخانیات در مدارس، در سال‌های اخیر شاهدیم که برخی از معلمان به این موضوع تربیتی توجهی ندارند و در واحدهای آموزشی به راحتی سیگار می‌کشند! دانش‌آموزانی هم که شاهد این رفتار معلمان در مدرسه‌اند، وقتی درباره استعمال دخانیات و یا مواد مخدر مورد سؤال واقع می‌شوند، جواب می‌دهند که اگر این کار بد است، چرا معلمان در مدرسه سیگار می‌کشند؟! شما تنها بلدید به ما گیر دهید! فراموش نکنیم که رطب‌خورده نمی‌تواند منع رطب کند. محمدحسین صناعی - See more at: <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13930207001296#sthash.PGG0IHJr.dpuf>

اگرچه ریشه تمام رفتارهای نابه‌هنجار دانش‌آموزان را نمی‌توان در کاستی‌ها و عیوب نظام تعلیم و تربیت جستجو کرد، اما مدرسه به عنوان مرکز آموزش، تمرین آداب و رفتار اجتماعی، نقش بنیادی در رفتار دانش‌آموزان دارد.

در تعلیم و تربیت، مسئله انضباط همیشه مورد توجه بوده است. هدف انضباط، ایجاد سازش با قوانین و ارزش‌های مورد پذیرش در مدارس می‌باشد؛ که منتج به شادی، نشاط، سلامت، آرامش و پیشرفت تحصیلی شود. اما در اینکه انضباط چگونه باید باشد، عقاید متفاوت است.

در گذشته که رفتار را ذاتی می‌دانستند، انضباط هم اطاعت کورکورانه از قوانین و مقررات مدرسه بود. بدین جهت در مدرسه به علل رفتارها توجه نمی‌شد و آموزش و تربیت رفتارهای اجتماعی نیز جایگاهی در برنامه‌های آن نداشت. ولی امروزه که رفتار را محصول یادگیری می‌دانند، مسئله انضباط در مدارس بسیار بااهمیت تلقی می‌شود.

از این رو مدرسه نه تنها به عوامل مؤثر در رفتار توجه می‌کند، بلکه آموزش رفتارهای اجتماعی و چگونگی زندگی با دیگران را در اولویت برنامه‌های خود قرار می‌دهد. چرا که امروزه ثابت شده رعایت انضباط در عین اینکه یادگیری را بهبود می‌بخشد، باعث جلب محبت دیگران، احساس امنیت، افزایش اعتماد به نفس و در بلندمدت سلامت و استحکام جامعه می‌گردد. بالعکس رفتارهای ناپسند، هم موجب احساس شرمندگی و گناه و شکست تحصیلی در فرد می‌شود، و همچنین سبب افزایش ناهنجاری، بی‌قیدی و ناامنی در جامعه می‌گردد.

با توجه به اهمیت انضباط در تحصیل و حفظ هنجارهای اجتماعی، اکنون این پرسش مطرح است که چرا در سال‌های اخیر بی‌انضباطی دانش‌آموزان در مدارس و رفتارهای نابه‌هنجار آنان در سطح جامعه افزایش یافته است؟ متأسفانه امروزه شاهد رفتارهایی از نوجوانان و جوانان در سطح مدارس و جامعه هستیم که اصولاً سختی با ارزش‌های جامعه ما به عنوان یکی از جوامع والای جهان ندارد.

اگر کسی باور ندارد، نگاهی به وضعیت بخشی از نوجوانان و جوانان از حیث پوشش لباس، آرایش ظاهری، اعتیاد به سیگار و...، روابط پنهان با جنس مخالف و... ببیند. بدون تردید خطوط نگران‌کننده‌ای را در پیش روی خود خواهد دید. شاید هیچ کس به اندازه مدیران و معلمان از مشکلات رفتاری دانش‌آموزان آگاه نباشند.

بسیاری از آن‌ها معتقدند که درصد بالایی از دانش‌آموزان، رعایت ادب و انضباط را نمی‌کنند؛ انگیزه تحصیلی ندارند؛ درس نمی‌خوانند؛ تکالیف را انجام نمی‌دهند؛ و با الزام و اجبار به مدرسه می‌آیند. رفتارهایی که حفظ انضباط و کنترل کلاس را برای همه معلمان سخت و دشوار کرده و موجب دل‌سردی و ناامیدی آنان شده است. علت چیست؟

اگرچه ریشه تمام رفتارهای نابه‌هنجار امروز دانش‌آموزان را نمی‌توانیم در کاستی‌ها و عیوب نظام تعلیم و تربیت جستجو کنیم، چرا که عوامل دیگری مثل ساختارهای اقتصادی، سیاسی، قضایی، فرهنگی و همچنین پدیده‌هایی مانند رشد فناوری اطلاعات و توسعه ارتباطات الکترونیک در پدیدآوری رفتارهای هنجارشکن دانش‌آموزان دخیل می‌باشند، اما مدرسه به عنوان مرکز آموزش، تمرین آداب و رفتار اجتماعی، نقش بنیادی در رفتار دانش‌آموزان دارد.

اگر سیستم آموزشی و پرورشی آن معیوب باشد، و نتواند به وظایفش به خوبی عمل کند، بدون تردید بیشترین صدمه را به نسل آینده کشور خواهد زد، که آسیب و زیانش از ده‌ها عامل خارجی بیشتر است. اینک به برخی از علل بی‌انضباطی دانش‌آموزان که مرتبط با مدرسه است، اشاره می‌کنیم. امید است مورد توجه متولیان امر قرار گیرد.

1) مدارس، استراتژی انضباطی ندارند. کما اینکه بیشتر مدارس فعلی فاقد آیین‌نامه انضباطی مدون و مکتوب و تعریف شده‌اند، و در اغلب اوقات با قوانین و مقررات سلیقه‌ای اداره می‌شوند. دراین مدارس با مسئله بی‌انضباطی با روش اصلاحی برخورد می‌شود و توجهی به شیوه‌های پیشگیرانه ندارند. البته برخوردهای اصلاحی هم به شرایط روحی و روانی افراد بستگی دارد. به

وقت خوشحالی، از خلاف‌های بزرگ چشم‌پوشی می‌کنند، ولی هنگام ناراحتی، به خلاف‌های کوچک، واکنش‌های تند و سنگین نشان می‌دهند.

برخوردهای تبعیض‌گونه و غیرعادلانه انضباطی در عین اینکه قوانین و مقررات را در نزد دانش‌آموزان کم‌ارزش می‌کند، باعث افزایش بی‌انضباطی آنان نیز می‌شود. البته ناگفته نماند که 14 سال پیش شورای عالی آموزش و پرورش، آئین‌نامه اجرایی را به مدارس ابلاغ کرده که فصول 5 و 6 آن مربوط به پوشش لباس و انضباط است، ولی در این مدت، هیچ‌گونه بازنگری در آن نشده است.

(2) تمرکز بیش از حد بر معایب دانش‌آموزان و کم‌توجهی به محاسن آنان باعث شده که در مدارس، ارتباط عاطفی که یکی از اجزای مهم موفقیت است، مغفول بماند. در حالی که غفلت از محاسن دانش‌آموزان، یکی از علل مهم رفتارهای ناپسند آنان به منظور جلب توجه معلمان است.

بدتر اینکه اغلب معلمان در مواجهه با رفتارهای نامطلوب دانش‌آموزان، به جای ریشه‌یابی رفتار، برای اصلاح آن از موعظه و نصیحت استفاده می‌کنند. اگر در اصلاح رفتار بچه‌ها توفیقی به دست نیاوردند، عصبانی شده و با تندخویی، پرخاش‌گری، تهدید و تحقیر تلاش می‌کنند که دانش‌آموزان را وادار به تغییر رفتار کنند. نتیجه چنین رفتار تربیتی، چیزی به جز خشم و مقاومت و افزایش بی‌انضباطی در بچه‌ها نیست.

(3) مدرسه، جامعه کوچکی است که معماری جامعه بزرگی را بر عهده دارد. پس در فضای درونی آن باید هم آزادی و هم نظم و انضباط توأم با محبت و عدالت وجود داشته باشد. در این صورت دانش‌آموزان به عنوان یک شهروند، زندگی کردن با دیگران را در آن تمرین و تجربه خواهند کرد و به مسئولیت‌های فردی و اجتماعی خود در جامعه واقف می‌شوند.

در اغلب مدارس ما، مفهوم انضباط به معنای اطاعت محض و پیروی بدون چون و چرا می‌باشد. از این رو متأسفانه در بیشتر واحدهای آموزشی به خصوص در آموزشگاه‌های دولتی، فضایی حاکم است که دانش‌آموزان نه تنها فرصت تمرین و تجربه زندگی کردن با دیگران را نمی‌یابند، بلکه به خاطر برخی نگرانی‌ها از هر گونه سؤال، انتقاد و اظهارنظری خودداری می‌کنند.

نتیجه چنین فضاهای تربیتی، یا گوشه‌گیری و انزوا است و یا رشد مخالفت و مقاومت در مقابل ارزش‌ها و هنجارها؛ که در هر دو شکل، کج‌روی، پرخاش‌گری و بی‌انضباطی نسل جوان حاصل آن خواهد بود. بنابراین صادقانه باید اذعان کنیم که مدارس ما موفق نشده‌اند با استفاده از باورها و ارزش‌های اسلامی، راه و روش زندگی دینی را به دانش‌آموزان بیاموزند.

(4) فضای فیزیکی مدارس نقش مهمی در جذب و یا بیزاری دانش‌آموزان دارد. فضای فیزیکی نامطلوب مدرسه، آزرده‌گی عاطفی و کسالت دانش‌آموزان را در پی دارد که منتج به خستگی، بدرفتاری و بی‌انضباطی آنان می‌شود. اگرچه عمده ساختمان‌های مدارس کشور در دوره بعد از انقلاب ساخته شده‌اند، اما بسیاری از آن‌ها، به خصوص در مناطق کم‌برخوردار و حاشیه‌های شهرهای بزرگ، محدود به یک چهاردیواری و چند کلاس می‌باشند.

فضای فیزیکی اغلب آن‌ها خشک، خشن، بی‌روح و فاقد هرگونه امکانات ورزشی، تفریحی، مطالعاتی، فضای سبز و گل و گیاه‌اند. مدارس غیرانتفاعی هم به جز موارد خاص، غالباً در فضاهای محدود مسکونی و غیراستاندارد فعالیت دارند. مجموعاً می‌توان گفت فضای فیزیکی عمده مدارس ما به علت فقدان امکانات ورزشی و تفریحی و فضای سبز، بیش از آن که نشاط آفرین باشند، حالت رسمی و خشک دارند.

این حالت‌ها با تمایلات و خواسته‌های دوره نوجوانی و جوانی ناسازگارند و این ناسازگاری تأثیر زیادی بر آزرده‌گی روحی، ایجاد کسالت و خستگی دانش‌آموزان و بیزاری آنان از مدرسه دارد که درنهایت موجب بی‌انضباطی آنان می‌شود.

(5) برنامه‌های آموزشی حافظه‌محور و مبتنی بر نمره‌گرایی و تلفیق دانش‌آموزان با توانمندی متفاوت در یک کلاس، یکی دیگر از علل بی‌انضباطی دانش‌آموزان است. متأسفانه امروزه انباشت معلومات و محفوظات، هدف اصلی مدارس شده است.

در این رویکرد غلط آموزشی، همه دانش‌آموزان به خصوص افراد ضعیف‌تر به شدت تحت فشار قرار می‌گیرند. به طوری که گاهی مجبور می‌شوند برای انطباق خود با افراد توانمند، یک کتاب را به اجبار چند بار بخوانند، یا تکالیف طاقت‌فرسا را به سختی انجام دهند. درس و کتاب خواندن که همراه با شکنجه شدن است.

بزرگ‌ترین پیامد و آفت این روش آموزشی، فراموشی است که قریب به اتفاق دانش‌آموزان، مبتلا به این مشکل می‌باشند.

بسیاری از ضعف حافظه خود شکوه دارند و می‌گویند آن قدر که زحمت می‌کشند، نتیجه نمی‌گیرند. تأکید و استمرار این شیوه نامناسب آموزشی، بزرگ‌ترین عامل یأس، ناامیدی، خستگی و بی‌زاری دانش‌آموزان از تحصیل و مدرسه است؛ و نتیجه آن گسترش بی‌انضباطی، ترک تحصیل و تعارض و عناد در مدرسه و جامعه می‌باشد.

6) برنامه‌های فرهنگی خشک، یکنواخت، کلیشه‌ای و کهنه مدارس یکی دیگر از علل بدرفتاری و بی‌انضباطی دانش‌آموزان است. عمده فعالیت‌های فرهنگی مدارس برای اصلاح رفتارها، معطوف به سخنرانی، موعظه‌های خشک و توصیه‌های آمرانه و گاهی اوقات تهدیدآمیز، تحقیرکننده و توأم با تنبیه است. غافل از اینکه این روش‌های سنتی، نه تنها باعث خشم نوجوان و جوان می‌شود، بلکه او را به عکس‌العمل‌های مخالف وادار کرده و مانع نهادینه شدن رفتارهای ارزشی و اخلاقی در او می‌شود.

7) اگرچه معلمان در حال حاضر یکی از سالم‌ترین اقشار جامعه‌اند، اما برخی از آنان رفتارهایی دارند که موجب بدآموزی دانش‌آموزان، به خصوص در دوره متوسطه می‌شود؛ از جمله مسئله سیگار کشیدن آن‌ها در اماکن آموزشی است. متأسفانه باوجود ممنوع بودن استعمال دخانیات در مدارس، در سال‌های اخیر شاهدیم که برخی از معلمان به این موضوع تربیتی توجهی ندارند و در واحدهای آموزشی به راحتی سیگار می‌کشند!

دانش‌آموزانی هم که شاهد این رفتار معلمان در مدرسه‌اند، وقتی درباره استعمال دخانیات و یا مواد مخدر مورد سؤال واقع می‌شوند، جواب می‌دهند که اگر این کار بد است، چرا معلمان در مدرسه سیگار می‌کشند؟! شما تنها بلدید به ما گیر دهید! فراموش نکنیم که رطب‌خورده نمی‌تواند منع رطب کند.

محمدحسین صانعی